

غیرت جهادی! در غروب غم انگیز ثروت اندوزی!



پیوسته به گذشته قسمت یکصدم :

باغبان یکی از ارباب ها از اربابش پرسید قربان! خوابی دیده ام، اجازه هست بگویم؟ خان گفت؛ بگو! و نوکرهم شروع کرد به تعریف کردن خواب طولانی ای که دیده بود. خان دستور داد او را اخراج کنند، باغبان پرسید چرا؟! خان در جواب باغبان گفت؛ خدا انصاف ات دهند! باغبانی که اینقدر می خوابد و خوابی به این درازی می بیند، پس چه وقت به کار باغداری و زراعت می رسد؟!

از فرد ، فرد خواننده گان ارجمند و از تک تک دوستان می خواهم که این یادداشتم را نیز حتماً از آغاز تا به انجام بخوانند ، و بدانند که این قلم از چه زاویه ای به رود خانه ای از تاریخ مینگرم ؟ یقین دارم برخی از عزیزانی که با من در زندگی روزمره نیز حشر و نشری داشتند و هنوز هم دارند لابد این خصوصیت فطری وجودم را نیز میدانند که در تمام عمرم در مخالفت با مسیر رود خانه شنا کرده و کوله باری از رنج ها را که بهترین آموزگاران زندگی ام بوده اند برشانه های ضعیف ام حمل نموده ام . لهذا نباید تصورکرد از اینکه من در گذشته ای نه چندان دور بلکه درست آنگاه که گام به گام مجاهدین راه آزادی و استقلال راه رفته ام وبا بسیاری از بزرگان عرصه نبرد آزادی خواهی بویژه روشنگران و قلم بدستان این حوزه از نزدیک شناخت داشته ام نسبت به تلاش های مظلومانه ام که در راه آزادی و استقلال افغانستان انجام داده ام با این دید گاه های پکرو عقلانی امروزی ام با گذشته پر بارم بریده ام و نسبت به گذشته ام اعلام برئت میکنم . !! نه ! هرگز نه ، بلکه اکیداً میخواهم واقیعت های تلخ روزگار امروزی را در بطن معادلات و معاملات دوران اشغال افغانستان بر همه جهان معاصر توسط ارتش سرخ سنجش و مقایسه نمائیم .



هرچند بسیار بوده اند مردانی که برای سنجش و اندازه گیری های حوادث و وقایع تاریخی و اجتماعی در حوزه ملتها معیار های دگم و ثابتی را بکار گرفته اند و بر بنیاد اینگونه پارامتر های اندازه گیری نسبت به همه تاریخ قضاوت نموده اند ، که این گونه قضاوت ها در حوزه تاریخ انسان که همیشه بویژه پس از آغاز مأموریت تاریخی و فلسفی اش بحیث جانشین ذات الهی بر عصای عقل و خرد زیسته است نه تنها منجر به دریافت یک نتیجه گیری بهتر تاریخی مبتنی بر استدلال و دیالوگ علمی نه میگردد بلکه بزرگترین ضربه ای را به اصل دین زده اند . اما بسیار جالب و قابل توجه است که همین دوسه روز قبل برخی از سران مافیا که اغلب شان از کانگسترهای شبه مذهبی بودند در راستای گرامیداشت از حماسه های ملت مجاهد افغانستان روز ۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ که روز خروج عساکر اشغالگر از افغانستان بوده ، یکی از بزرگترین رهبران جهاد که سالها قبل از پوهنتون الازهر مصر بزرگترین مرکز مذهبی جهان اسلام آخرین مدرک علم حدیث را حاصل نموده است روز ۲۶ دلو ۱۳۶۷ را روز پیروزی مستضعفین بر مستکبرین دانست . و در عین حال مرد روحانی بزرگواری حضرت صبغت الله مجددی از همان استخاره های یاد آوری فرمود که به قول وی برای نخستین بار در فتوای " جهاد " مقدس علیه ارتش اشغالگر روسی را صادر نموده بود ، بهتر است این سخنان گهربار استاد عبدالرب رسول سیاف و حضرت صبغت الله مجددی را که آخرین روزهای از عمر پربارش را در آسائیشگاه های غرب سپری میکند و در محفل گرامیداشت از حماسه های مجاهدین بیان فرموده بودند بشنویم و ببینیم :

<https://www.youtube.com/watch?v=FhISNShWNcE>

باید صمیمانه اعتراف کرد که بیش از همه سخنرانان بزرگوار آن گردهم آئی سخنان سردار محمد اشرف خان غنی دومین متفکر جهان و استاد علوم انسانی در بزرگترین پوهنتون های جهان که "ریا" است افتخاری!! دولت وحدت ملی بر وزن " مالی " در افغانستان را قبول فرموده است برایم سخت شگفت انگیز بود ، البته این سخنان نه به دلیل اینکه وی "ریا" ست دولت وحدت ملی را برعهده دارند شاید این گونه سخنان از وی توقع نه میرفت !! بلکه به دلیل جایگاه بلند علمی اش که در جامعه از آن برخوردار است آن مقام علمی و جایگاه اجتماعی اش را تا حد کوچه و بازار تنزل دادند اکنون باز هم توجه شما عزیزان را قبل از کنکاش این سخنان گرانبها به تکه ای از فیلم سخنان حضرت اشرف خان غنی جلب میکنم .

<https://www.youtube.com/watch?v=VK6xhfgD-QQ>

نگاه شکمی به تاریخ انسان معاصر :

میگویند : شخصی که از تب شدید رنج می برد ، دو تا حکیم باشی بالای سر او حاضر شدند و هر دو با هم دست زیر پتو بردند تا نبض بیمار تب دار را بگیرند و بعد با هم اعلام کردند که حال بیمار وخیم است. بیمار گفت فلان فلان شده ها، شما زیر پتو نبض یکدیگر را گرفته اید! نه نبض من را که از تب می میرم !! چنانچه همه ما میدانیم و مدت ها در نوشته ها ، دفاعیه ها و خطبه های آتشین رهبران صغیر و کبیر مذهبی و حتی دارنده گان افکار و اندیشه های چپ و مارکسیستی شنیده ایم وقتی از ایدئو لوژی به حیث نقشه راه ملتهای اسیر در بند استعمار قدیم و استعمار جدید نسخه ای را می نویسند و مؤظه می فرمایند قبل از اینکه سرشت ، هویت ، مشخصات و شخصیت و جوهر و نیازهای انسان به مثابه سازنده هویت تمدنی و فرهنگی شناخته شود ، مکتبی ، راه و روش و ایدئولوژی و اخلاقی و

احکامی برای زندگی او معین سازند . بدون شک با مرور چند سالی از عمرجوامع بشر در نوع شناخت تاریخ ملتها نیز مغالطه ای بوجود می آید و آنچه که شاید گاهی و در مسیر تاریخ ضد ارزش نامیده می شدند به اقتضای منافع استراتژیک کشورهای در حال بحران در دکتورین امنیتی استعمار و اذنباش چهره عوض میکنند و لباس تقدس بر تن میدارند که بهترین و نمایان ترین مثال آن خواندن روز ۲۶ دلو سال ۱۳۶۷ به عنوان روز نجات و روز موفقیت مستضعفین بر مستکبرین میباشد که از سوی حضرت عبدالرب رسول سیاف یکی از ثروتمند ترین رهبران شبه جهاد که مالک صد ها خانه مسکونی و مجتمع تجاری میباشد در سال ۲۰۱۶ مطابق با ۲۶ دلو ۱۳۹۴ در گرامیداشت از این روز بیان گردید

یادداشت نویسنده : در قسمت های بعدی این مقاله روی همین مطلب تمرکز بیشتری بعمل خواهد آمد

